



چارچی

بازگشت فندق شکن
به مونترال

۱۲

دوربین

سوسپیریا، ناله‌ای
از اعماق تاریخ جهان

۳۲

پاتوق

میراث خوشمزه
پدربزرگ یهودی مهاجر

۴۱

نودونه سالگی سامانه اتوبوس رانی مونترال





www.medad.ca

مداد، مجله آنلاین مونترال
هفته‌نامه اجتماعی، فرهنگی
شماره سی و پنجم، جمعه ۲ آذر ۱۳۹۷

سر دبیر: شهرام یزدان پناه
مدیر تحریریه: پوریا ناظمی
تحریریه:

مهرنوش اردلان یکتا، مریم ایرانی، هدی حسینی
علی زندیه و کیلی، پریرسا کولان، آزاده مقدم، پوریا ناظمی
شهرام یزدان پناه، زینب یوسف زاده، گلرنگ درویشیان،
فرمهر امیردوست، امیر حسین عبدلی ناصر
صفحه آرایی، طراحی و گرافیک: مانا نریمی

«مداد» هفته‌نامه دیجیتالی است و چاپ نمی‌شود.
اشتراک مجله هفتگی «مداد» رایگان است.
مشترکان هر جمعه نسخه الکترونیک «مداد» را روی ایمیل دریافت می‌کنند.
برای اشتراک اینجا کلیک کنید
برداشت و استفاده از مطالب «مداد» در صورت ذکر منبع مجاز است.
اگر مایل به نوشتن در «مداد» هستید، مطالب خود را به ایمیل زیر ارسال کنید:
editor@medad.ca

«مداد» در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است.

«مداد» هیچ مسئولیتی در قبال آگهی‌های تجاری ندارد.

تلفن: 4387388068

آدرس:

3285Cavendish blvd, #355 - Montreal, QC - H4B2L9

ایمیل:

info@medad.ca



با تبلیغ در «مداد» نه تنها به مشتریان خود وصل می‌شوید بلکه ادامه این حرکت فرهنگی را نیز ممکن می‌سازید. پیشاپیش از شما سپاسگزاریم.
برای درج آگهی در «مداد» با ما تماس بگیرید. ما فقط آگهی نمی‌فروشیم، مشاوره تبلیغاتی رایگان هم می‌دهیم.

تلفن واحد آگهی‌ها: 5149160083

ایمیل: ads@medad.ca

خشونت را یاد می‌گیریم

یکشنبه، ۲۵ نوامبر، سال روز اعلام جهانی بیانیه رفع خشونت علیه زنان است. حدود بیست سالی می‌شود که هر پاییز در چنین روزی، چند سخنرانی برگزار، چند نکته یادآوری و بعد همه چیز به فراموشی سپرده می‌شود تا سال بعد. در این فاصله یکساله تا چند سخنرانی دیگر، میلیون‌ها میلیون زن مورد انواع و اقسام خشونت قرار می‌گیرند، بعضی‌ها اصلاً نمی‌دانند که قربانی‌اند، بعضی‌ها می‌دانند اما خاموشی برمی‌گزینند و فقط تعداد اندکی اعتراض را انتخاب می‌کنند. اعتراضی که از سال گذشته جنبش «من هم همینطور» نام گرفت به این امید که با برملا کردن فرد خشن، خشونت متوقف شود.

اما خشونت یک فرهنگ است. فرهنگی که از نسلی به نسل بعد منتقل می‌شود. خشونت در پنهانی‌ترین روابط انسانی آموزش داده می‌شود. آموزشی ریشه‌دار در فرهنگ هزاران ساله، سنت و اعتقادات مردم. جایکه دست هیچ سخنران، هیچ معلم و هیچ رهبر سیاسی به آن نمی‌رسد.

خشونت را من و شما باید از زندگی خود پاک کنیم، باید خود را آموزش دهیم و باید در رفتار خود دقیق‌تر شویم.

فقط آن زمان است که هر کدام از ما نقطه آغازین حرکت بزرگی می‌شود که چند نسل بعد، بخش بزرگی از جامعه را دربر گرفته است.

شهرزاد آذرنیاده



ICP Immigration Inc.

**معصومه علی محمدی
(بهبانی)**

عضو رسمی شورای

مشاوران مهاجرت به کانادا



موبایل : 514-778-9011

دفتر کانادا : 514-289-9044

فاکس : 514-289-9022

دفتر تهران : 021-2289-4567

تماس مستقیم از ایران : 021-8531-2878

info@icpimmigration.com

www.icpimmigration.com

**1117 Ste.Catherine west, suite 511
Montreal, Quebec, Canada, H3B 1H9**

icccrc
IMMIGRATION CONSULTANTS OF
CANADA REGULATORY COUNCIL



crcic
CONSEIL DE RÉGLEMENTATION DES
CONSULTANTS EN IMMIGRATION DU CANADA



تحقق شغل رویایی شما با شرکت در یکی از دوره‌های تخصصی ما



- دوره استارتینگ بزنس (۵ ماه)
- دوره فروش حرفه‌ای (۹ ماه)
- دوره نمایندگی فروش (۷ ماه)

دوره‌های رایگان

دوره‌های رایگان با امکان پرداخت
وام و بورس

تلفن:

۴۸۳۸ - ۵۱۳ (۵۱۴)

ثبت‌نام و مشاوره به زبان فارسی:

دوشنبه‌ها ساعت ۱۰ تا ۱۴ و چهارشنبه‌ها ساعت ۱۲ تا ۱۷

4055 St. Catherine west, #161, Montréal, QC

www.edudite.academy

شرکت تجاری پاسیفیک

- ✓ ارائه مشاوره مالی جهت انتقال سرمایه
- ✓ ارائه کلیه خدمات مبادلات ارزی
- ✓ به ایران و برعکس

Tel. : (514) 289 9011 Office
(514) 9469011 Mobile

Add. : 1117 Ste. Catherine west
Suite #511 Mtl. Qc. H3B 1H9



PA

I.C. Pacific Trading Inc.

واکنش شدید اتاوا به طرح ضد فرانسوی تورنتو

مداد داگ فورد، نخست‌وزیر تازه استان انتاریو روز پنج‌شنبه گذشته طرح به‌روزرسانی برنامه‌ریزی مالی خود را معرفی کرد. مطابق این به‌روزرسانی بخشی از هزینه‌های دولت به بهانه تلاش برای کاهش کسر بودجه ۱۵ میلیارد دلاری این دولت استانی تعدیل شده است.

یکی از مهم‌ترین بخش‌های این به‌روزرسانی قطع کمک‌هزینه‌ها و تسهیلات مالی برای برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه فرانسه زبان این استان است. اقدامی که با واکنش تند ملانی جولی، وزیر میراث فرانسه دولت کانادا مواجه شد.

او در نامه‌ای خطاب به کارولین مولرونی، وزیر مسئول در امور فرانسه زبان‌های استان انتاریو نوشت: «این تصمیم‌های ویرانگر تأثیراتی ماندگار نه تنها بر بیش از ۶۰۰ هزار فرانسه زبان استان انتاریو که بر جمعیت قریب به هشت میلیون نفری فرانسه زبان‌های کانادا خواهد داشت.»

جولی تقویت و ترویج زبان فرانسه را یکی از اصول مهم مشترک کانادا برای حمایت از جامعه‌ای دوزبانی و دفاع از حقوق اقلیت‌ها خواند و نسبت به حذف مقام کمیسیونر زبان فرانسه و ملغی کردن طرح‌های حمایت از دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی فرانسه زبان در این استان را خسارتی جبران‌ناپذیر برای جامعه فرانسه زبان کشور نامید.

دفتر کمیسر زبان فرانسه در دولت پیشین و در سال ۲۰۰۷ تأسیس شده بود تا از حقوق شهروندان فرانسه زبان دفاع کرده و اجرای قانون پاسخگویی دوزبانی اداره‌های دولتی در این استان را تضمین کند.

ملانی جولی همچنین در نشست مجلس کانادا در نطق تندی به این اقدام دولت فورد تاخت و هشدار داد که در مقابل عدم پاسخگویی این حزب درباره این قطع بودجه نیروی مقاومت مردمی در برابر این اقدام شکل می‌گیرد.



BANK
OF
CANADA

با وجود بالا بودن نرخ تورم

بانک کانادا نرخ بهره را ثابت نگاه می‌دارد

فایننشیال پست: اطلاعات منتشرشده در روز جمعه نشان می‌دهد که نرخ تورم سالانه کانادا در ماه اکتبر و برای نهمین ماه متوالی از هدف اعلام‌شده بانک مرکزی کانادا بالاتر است، با این وجود احتمال می‌رود بانک مرکزی، نرخ بهره بانکی را برای ماه دسامبر بدون تغییر نگاه دارد.

بر اساس داده‌های اداره آمار کانادا نرخ تورم در کانادا ۲،۴ درصد محاسبه شد است. بانک مرکزی پیش‌بینی کرده بود که نرخ تورم در کانادا به عدد ۲ درصد کاهش خواهد یافت و به این ترتیب به هدف سال ۲۰۱۹ خود نزدیک خواهد شد.

تغییر نرخ بهره یکی از سیاست‌های بانک مرکزی در زمینه امور پولی است که می‌تواند بر میزان تورم و ارزش پول تأثیر بگذارد. با این وجود انتظار نمی‌رود بانک مرکزی در روز ۵ دسامبر که زمان اعلام میزان بهره بانکی است تغییری در مقدار کنونی آن اعمال کند و از این ابزار پولی برای کنترل بازار استفاده نماید.

استقرار شغل‌های دولتی در مناطق دورافتاده کبک

نخست‌وزیر کبک اعلام کرد پنج هزار شغل دولتی در پنج سال آینده به مناطق محلی استان کبک منتقل خواهد شد.

فرانسوا لوگو اعلام کرد، دولت کبک با تکیه بر بازنشستگی و تله‌کنفرانس، تعداد کارمندان دولتی استان را که در مناطق محلی کبک زندگی می‌کنند، بالا خواهد برد. به نقل از وبسایت مونترال گزت، لوگو تأیید کرده که پنج هزار شغل دولتی در پنج سال آینده به مناطق دورافتاده استان کبک منتقل خواهد شد. این اتفاق یکی از وعده‌های انتخاباتی دولت کبک بوده است.

لوگو به گزارشگران گفته که به‌جای انتقال اجباری کارمندان دولت، بر روی بازنشستگی آنان حساب باز کرده است. موقعیت‌های شغلی آزادشده از این‌پس به‌جای مناطق شهری، همچون مونترال و کبک سیتی، در مناطق کم‌جمعیت و دورافتاده استان کبک مستقر خواهند شد.

نخست‌وزیر لوگو اعلام کرد که کریستین دوبه (Christian Dube)، رئیس هیئت خزانه‌داری، به طراحی برنامه انتقال شغل‌های دولتی به مناطق محلی گمارده شده است.

طرح تمرکززدایی لوگو به‌منظور آشنایی بیشتر بخش‌های دولتی با معضلات محلی اجرا می‌شود. در پاسخ به این سؤال که آیا انتقال کارمندان دولتی که وزارتخانه‌های آن‌ها در مناطق شهری قرار دارند منجر به ایجاد اختلال در کار دولت نخواهد شد، لوگو تأکید کرد که به کمک فناوری، مشکلات حل خواهد شد. «ویدئوکنفرانس و تمامی روش‌های جدید به کار گرفته خواهد شد، لزومی ندارد واقعاً کنار هم‌دیگر بنشینیم.» از زمان به قدرت رسیدن فرانسوا لوگو به‌عنوان نخست‌وزیر دولت استانی کبک تا امروز نزدیک به یک ماه می‌گذرد. فرانسوا لوگو به‌عنوان رهبر حزب ائتلاف آینده کبک (CAQ) که خودش هفت سال پیش آن را تأسیس کرده، در این یک ماه هر از گاهی با تأکید بر اجرایی ساختن یکی از وعده‌های انتخاباتی‌اش به صدر خبرهای استان کبک آمده است. مهاجرت، زبان فرانسه و شغل از مهم‌ترین نکات مطرح‌شده در کمپین تبلیغاتی حزب ائتلاف آینده کبک (CAQ) بوده است. تا به اینجا به نظر می‌رسد که تغییرات استان نیز در مسیر وعده‌های انتخاباتی بوده است.

برج‌های مسکونی دوقلو در مرکز شهر

CBC: کنسرسیومی متشکل از مسکن‌سازان تبلیغات خود درباره طرح دو برج مسکونی ۷۰۰ میلیون دلاری را آغاز کرده‌اند. طرحی که اگرچه هنوز موافقت و تأیید شهرداری را دریافت نکرده است در صورت تأیید می‌تواند بلندترین بنای منطقه برج‌های شهر را به وجود آورد.

طراحان این پروژه که قصد دارند آن را در نزدیکی میدان هنر شهر بسازند آن را در قالب برج‌های چندمنظوره و ۵۰ طبقه‌ای تعریف کرده‌اند. طراحان این طرح اعلام کرده‌اند که قصد دارند فعالیت ساخت‌وساز خود را از ابتدای سال ۲۰۱۹ آغاز کنند و واحدهای مسکونی آن را از ماه فوریه پیش‌فروش نمایند.

با این وجود سخنگوی شهرداری منطقه ویلاماری که قرار است میزبان این برج‌های دوقلو باشد اعلام کرده است این خبر و تبلیغات تنها ابزاری برای بازاریابی است و شهرداری هنوز تصمیم درباره اهدای مجوز به این بنا اتخاذ نکرده است و حتی طرح این بنا برای بازبینی و مرور به گروه مربوط در شهرداری تحویل داده نشده است.

به گفته این سخنگو، شهرداری درباره این طرح موضع مثبت یا منفی ندارد اما باید مقدمات لازم در چنین طرحی طی شود و چنین طرحی با چنین ابعادی ممکن است پیش از تأیید با تغییراتی جدی مواجه شود. قرار داشتن این پروژه در نزدیکی میدان هنر بر حساسیت‌های مرتبط با آن افزوده است.



بازگشت فندق شکن به مونترال

مداد باله فندق شکن، اثر ماندگار چایکوفسکی بار دیگر و در آستانه سال نو میلادی در مونترال به روی صحنه می‌رود. امسال برای پنجاه و پنجمین سال پیایی باله بزرگ مونترال، داستان جادویی فندق شکن را به روی صحنه می‌آورد. این باله یادگاری از طراحی رقص فرناند نالت و بر مبنای داستانی از هافمن است که در طول روایت خود داستانی جادویی از حال و هوای کریسمس و دنیای شگفت‌انگیز خیال را با موسیقی شگفت‌انگیز ساخته چایکوفسکی در هم می‌آمیزد. این باله امسال از تاریخ ۱۳ تا ۳۰ دسامبر در سالن اصلی میدان هنر به روی صحنه می‌رود.



● مرکز فراگیری خلاق فانوس ●



✓ کلاس های زبان انگلیسی و فرانسه از مقدماتی تا پیشرفته
(بزرگسال)

✓ کلاس های آموزش زبان خلاق (کودکان و نوجوانان)

شروع کلاس ها ۲۶ نوامبر

www.faunus.ca

info@faunus.ca

[fb@faunus.institute](https://www.facebook.com/faunus.institute)

514 431 3345

420- 3285 BLVD CAVENCISH,
MONTREAL, QC.H4B 2L9



< ترجمه رسمی کلیه اسناد و مدارک
 < گواهی امضا و کپی برابر اصل
 < ترجمه شفاهی در محاکم و ادارات
 < تکمیل فرمهای مختلف
 < اخذ ویزای توریستی

Farhang

دارالترجمه رسمی فرهنگ

Downtown

1650, Maisonneuve West, #202,
 H3H 2P3 - Montréal, Québec, Canada
 Tel : +1-514 691 4383
 Toll free from Iran: (021)-853 128 32
 Emil: r.davoudi@farhang.ca

NDG

3285 Cavendish Blvd, #355
 Montreal Quebec , H4B 2L9
 Tel : +1-514 916 0083

IRAN

تهران، کارگر شمالی، تقاطع بلوار کشاورز،
 نبش کوچه گیتی، پلاک ۱۱۷۲، طبقه ۲، واحد ۲
 Tel : +98- 21 6642 1511 / 6694 8154
 Emil: h.davoudi@farhang.ca

طراحی: آنتلیه گرافیک مانا ۳۷۴۶-۳۴۴-۵۱۴

نود و نه سالگی سامانه اتوبوس رانی مونترال

از کامیون صندلی دار
تا اتوبوس های کاملاً برقی



شهرام یزدان پناه اولین سیستم اتوبوس‌رانی مونترال ۹۹ سال پیش در روز بیست و دوم نوامبر ۱۹۱۹ کار خود را با دو کامیون که توسط کارکنان شرکت تراموای مونترال (Montreal Tramways Company) به شکل اتوبوس درآمده بودند، آغاز کرد.

شرکت تراموای مونترال در آن روزگار با سامانه تراموای شهری خود، یکه‌تاز حمل‌ونقل عمومی شهر مونترال بود. این شرکت به دلیل ناراحتی و کم‌ظرفیت بودن اتوبوس‌های آن دوره، تمایلی به تغییر سامانه خود از تراموای به اتوبوس نداشت؛ اما دست روزگار خواب دیگری برای این شرکت دیده بود.

ماجرای آنجا آغاز شد که شرکت تراموای مونترال برای ادامه فعالیت خود در خیابان سنت‌اتین که امروز بریج (Bridge) نامیده می‌شود، می‌بایست قسمتی از ریل تراموای و شبکه برق‌رسانی آن را تعویض می‌کرد. کاری که هزینه زیادی در پی داشت. از این رو آن‌ها تصمیم گرفتند به سراغ اتوبوس بروند. کارگران بخش تعمیرات شرکت دست‌به‌کار شدند و برای دو دستگاه کامیون وایت (White) اتاق ساختند، دو نیمکت سرتاسری در آن کار گذاشتند و اتوبوس دست‌ساز خود را در محل کنونی خیابان «بریج» (Bridge) به راه انداختند تا کارگران سیلوهای گندم، محوطه بارگیری قطارهای باربری و چند کارگاه آن منطقه را جابجا کنند. اولین سرویس این سامانه جدید حمل‌ونقل عمومی مونترال ۲۲ نوامبر ۱۹۱۹ انجام شد. دقیقاً ۹۹ سال پیش در چنین روزی!

دو سال بعد دو کامیون مشابه با همان تغییرات به اتوبوس تبدیل شدند تا بین خیابان بری (Berri) و جزیره سن‌هلن (St.Helen's Island)، محل کنونی پارک ژان دراپو، رفت‌وآمد کنند.



تأسیس سامانه اتوبوس‌رانی با این امکانات اولیه، صرفاً تلاشی برای پاسخ به نیاز حمل‌ونقل عمومی ارزان‌قیمت و قابل‌گسترش به گوشه گوشه‌ی مونترال در حال توسعه‌ی آن زمان بود.

در آن دوران، حمل‌ونقل عمومی مونترال توسط تراموای صورت می‌گرفت. وسیله‌ای که برای هر مسیر آن باید ریل کشیده می‌شد و انرژی موردنیاز خود برای حرکت را از برق به دست می‌آورد که گران بود و رساندن آن به تراموای، خود شبکه برق‌رسانی مجزایی لازم داشت.

در مقابل اتوبوس‌ها که از تغییر کاربری کامیون‌ها ساخته می‌شدند، حتی در مسیرهای روستایی هم قابل‌استفاده بودند و گازوئیل می‌سوزاندند که ارزان و در دسترس بود و می‌شد روزی یک‌بار باکش را پر کرد و به جابجایی مسافر پرداخت.

شش سال بعد و بعد از موفقیت این خط اتوبوس‌رانی، شرکت تراموای مونترال سه خط مشابه در لس‌آنجلس (La-Salle)، لشین (La-chine) و خیابان شبروک راه انداخت. این سه خط جدید مرتب‌تر و منظم‌تر بودند و اتوبوس‌های واقعی و مدرنی داشتند. حتی یک نوع اتوبوس لوکس هم در نظر گرفته‌شده بود تا کارمندان طبقه متوسط از آن استفاده کنند. اتوبوس‌های جدید از یک سازنده آمریکایی خریداری شده بود.

بازگشت دوباره به برق

استفاده از اتوبوس در مونترال افزایش مداومی یافت تا جایی که در اواسط دهه ۳۰، سامانه اتوبوس‌رانی مونترال با ۱۵۵ دستگاه اتوبوس خود، سالانه بیست میلیون مسافر را جابجا می‌کرد. در سال ۱۹۳۷ مونترال دوباره به سمت برق رفت و اولین خط اتوبوس برقی کانادا با هفت دستگاه اتوبوسی که از انگلستان خریداری شده بود، در خیابان



بویین (Beaubien) آغاز به کار کرد. این اتوبوس‌ها از آن نمونه‌هایی بودند که با یک کابل به شبکه برقی در بالای سر خود وصل می‌شدند. ده سال بعد «شرکت تراموای مونترال» که هنوز مسئول حمل‌ونقل عمومی شهر بود، ۴۰ دستگاه اتوبوس برقی دیگر اما این بار از یک تولیدکننده کانادایی خرید و در همان خیابان بویین به کار انداخت. تا سال ۱۹۶۶ تعداد اتوبوس‌های برقی مونترال به ۱۰۵ عدد رسیده بود که در چهار خیابان بویین، آمرست (Amherst)، کریستف کلمب (Christophe-Colomb) و نهایتاً خیابان بلانژه (Belanger) به کار مشغول بودند؛ اما گازوئیل دوباره برنده شد و بساط اتوبوس‌های برقی در سال ۱۹۶۶ یعنی همان سالی است که متروی مونترال افتتاح گردید، برچیده شد.

خداحافظی با تراموای و تغییر چندباره اسم

در فاصله این سال‌ها، تراموای هم تسلیم قدرت جابجایی سریع و منعطف اتوبوس‌های گازوئیلی شده بود. کتاب رقابت بین اتوبوس و تراموای مونترال (که با برق کار می‌کردند) در سال ۱۹۵۹ و با جایگزین شدن آخرین خط تراموای مونترال با سامانه اتوبوس‌رانی، برای همیشه بسته شد.

در همان دوران نام شرکت تراموای مونترال (Montreal Tramways Company) به کمیسیون حمل‌ونقل مونترال (Montreal Transportation Commission) تغییر پیدا کرد. تغییر هوشمندانه‌ای که باعث شد تا نام مختصر مجموعه همچنان MTC باقی بماند.





این نام در دهه ۷۰ و زمانی که بحث ملی‌گرایی فرانسوی اوج گرفت، به Commission de transport de la Communauté urbaine de Montréal تغییر پیدا کرد که به اختصار (CTCUM) نامیده می‌شد. این تغییر نام، قدمی کوچک برای سامانه حمل‌ونقل عمومی مونترال اما گامی بزرگ برای استان کبک بود که می‌رفت تا به زندگی کبکی‌ها عطر و طعم فرانسوی بیشتری ببخشد.

سال ۲۰۰۲ نهایتاً اسم این مجموعه به شرکت حمل‌ونقل مونترال (STO- Société de transport de Montréal) تغییر پیدا کرد که به اختصار STM نامیده می‌شود.

از نخستین راننده زن تا بازگشت دوباره برق

از آن زمان به بعد سامانه حمل‌ونقل عمومی مونترال که امروز آن را به اسم STM می‌شناسیم، تغییرات زیادی کرده است. صاحب مترو شده، چندین نوع اتوبوس عوض کرده و حتی راننده‌های آن هم تغییر کرده‌اند. فرانسین مالته، اولین راننده زنی بود که در سال ۱۹۷۷ (دو سال قبل از انقلاب ایران) پشت فرمان یک اتوبوس مونترالی نشست. امروزه STM اصرار فراوانی دارد که راننده‌های اتوبوس از ملیت‌ها و جنسیت‌های مختلف باشند تا نمایی از جامعه چند فرهنگی شهر را به نمایش بگذارند.

امروز و ۹۹ سال پس از راه‌اندازی خط اتوبوس‌رانی گازوییل سوز به‌منظور کاهش هزینه‌های تراموای برقی، مونترال دوباره به سمت برق بازمی‌گردد. مدتی است که STM نوعی اتوبوس برقی با قابلیت شارژ سریع را آزمایش کرده و حالا بعد از موفقیت در آزمون‌ها، قصد دارد اتوبوس‌های تمام برقی مبتنی بر باتری را در مونترال توسعه دهد. این اتوبوس‌ها برخلاف اسلاف خود در خیابان بوبین به شبکه برق‌رسانی در بالای سر خود نیاز ندارند. آن‌ها به باتری‌های با قابلیت شارژ سریع مجهزند که در ایستگاه‌ها و در زمان انتظار برای پیاده و سوار شدن مسافران به‌اندازه کافی شارژ می‌شوند.

نقاط عطف تاریخ اتوبوس‌رانی مونترال

- **۲۲ نوامبر سال ۱۹۱۹:** اولین خط اتوبوس‌رانی مونترال با دو اتوبوس دست‌ساز آغاز به کار کرد
- **سال ۱۹۲۵:** تأسیس سه خط جدید اتوبوس‌رانی با اتوبوس‌های واقعی
- **سال ۱۹۵۹:** آخرین خط تراموای مونترال جای خود را به یک خط اتوبوس‌رانی داد
- **سال ۱۹۶۶:** با راه‌اندازی مترو، ده‌ها خط اتوبوس‌رانی شهری در مونترال حذف یا تغییر مسیر داده شدند.
- **سال ۱۹۸۸:** تأسیس اولین خط اتوبوس شبانه در مونترال
- **سال ۱۹۹۶:** به‌کارگیری نخستین اتوبوس کم ارتفاع به‌منظور سهولت در استفاده برای افراد مسن و کم‌توانان حرکتی
- **سال ۲۰۰۸:** راه‌اندازی سامانه کارت هوشمند OPUS
- **سال ۲۰۰۹:** تأسیس خط ۷۴۷ بین مرکز شهر و فرودگاه ترودو



بخش اول

ترجمه: گلرنگ درویشیان روزی یک شکارچی همراه سگ‌هایش از جنگل می‌گذشت. هنوز کمی راه نرفته بود که سگ‌هایش را گم کرد. هر چه صدایشان کرد و برایشان سوت زد سگ‌ها نیامدند، پس تصمیم گرفت که برگردد و پیدایشان کند. کمی که دورتر شد فکر کرد که یکی از سگ‌ها را دیده که زیر بوته‌ای کوتاه دراز کشیده و هنگامی که به آنجا رسید هر سه تا سگ‌هایش را دید که به خوابی عمیق فرورفته بودند. سعی کرد بیدارشان کند، اما چشم‌هایشان را تنها برای لحظه‌ای باز می‌کردند و دوباره به خواب می‌رفتند. خودش هم به زودی احساسی عجیب و خواب‌آلود وجودش را فراگرفت. به خودش تکانی داد و سعی کرد بیدار بماند. درست همان لحظه متوجه حشره‌ای بزرگ شد که روی شاخه درختی نشسته بود و روی پشتش بال‌های بسیاری داشت که صدای وزوزی ممتد ایجاد می‌کردند. وقتی حشره متوجه شد که شکارچی نگاهش می‌کند گفت: «من وینگ هستم، پری خواب. سگ‌هایت خیلی به خانام نزدیک شدند و من طلسمشان کردم. تو هم تا چند لحظه دیگر به خواب فرو می‌روی.» شکارچی گفت: «من هم به خواب فرو می‌روم؟ من می‌خواهم به خانام برگردم.»

داستان‌های عامیانه
بومیان آمریکا

پریانِ خواب





«تو رئیس شجاعی هستی و همیشه با حشرات جنگل مهربان بوده‌ای پس این بار می‌گذارم که بروی. یک برگ از آن درخت کوچک بکن، آن را در دهانت بگذار و بجو و آبش را قورت بده.»

شکارچی تمام کارهایی را که حشره به او گفته بود انجام داد و همان لحظه احساس خواب‌آلودگی‌اش از بین رفت. سپس اتفاقی شگفت‌انگیز افتاد. دوروبر خودش پریان عجیب و کوچکی دید که هرکدام گریزی کوچک همراه داشت. آن‌ها از لابه‌لای پوست درختان، از میان علف‌ها و حتی از درون کیسه شکارچی سرک کشیدند و به مرد نگاه کردند.

شکارچی از وینگ پرسید: «این‌ها چه هستند؟»

«این‌ها پریان خواب هستند. نامشان وینگز است. حالا می‌توانی سگ‌هایت را بیدار کنی و بروی.» و پیش از این که شکارچی بتواند پاسخی بدهد حشره رفته بود.

پس مرد بازگشت و سگ‌هایش را که هنوز هم مثل احمق‌ها نگاه می‌کردند، بلند کرد تا دنبالش بروند. همین‌طور که پیش می‌رفت همه‌جا اطراف

درخت‌ها و اینگزه‌ها را دید که انگار همراهش می‌آمدند. هنگامی که به خانه‌اش رسید، دید که موجودات کوچک به مردان و زنان حمله‌ور شدند و از پیشانی‌هایشان بالا رفتند؛ سپس با گرزهایشان بر سر آنها کوبیدند. خیلی زود بومیان شروع کردند به خمیازه کشیدن و مالیدن چشم‌هایشان و به‌زودی همه‌شان به خواب فرورفتند.

شکارچی هم احساس کرد که سرش سنگین می‌شود. سعی کرد که بیدار بماند اما نتوانست پس کنار آتش دراز کشید و به خواب فرورفت. هنگامی که بیدار شد هیچ خبری از پریان نبود.

شکارچی تصمیم گرفت که به جنگل برگردد و درختی را که از آن برگ چیده بود پیدا کند. اما پیش از این که راه بیافتد سگ‌هایش را به دقت بست چون دلش نمی‌خواست دنبالش کنند و بازهم دچار طلسم وینگ شوند. هنگامی که شکارچی رفت، سگ‌ها ناله کردند و طناب‌هایشان را کشیدند، اما او خیلی زود میان درختان از دید ناپدید شد. هنگامی که راهش را در جنگل باز می‌کرد و پیش می‌رفت با دقت به دنبال آن درخت کوچک با برگ‌های جادویی می‌گشت. اما هیچ درختی شبیه آن پیدا نکرد. ساعت‌ها راه رفت و نهایتاً خودش را روی زمین انداخت تا استراحت کند.

همان‌طور که دراز کشیده بود و استراحت

می‌کرد صدای وزوزی بالای سرش

شنید. فوراً بالا را نگاه کرد و وینگ

را دید که روی دورترین شاخه

درختی نشسته بود.



حشره گفت: «روزبه‌خیر شکارچی بزرگ. داشتی دنبال درختِ من می‌گشتی، مگر نه؟»

شکارچی پاسخ داد: «بله از کجا فهمیدی؟»

وینگ گفت: «من خیلی چیزها می‌دانم. اما به من گوش کن. درخت آنجاست.» همان‌طور که صحبت می‌کرد، به درختی کوچک که چند قدم دورتر بود اشاره کرد. «یکی از برگ‌ها را بچین اما تا قبل از غروب آن را نخور. آن زمان من فرمان خواب می‌دهم و تمام حشرات به خانه برمی‌گردند تا استراحت کنند. وقتی صدایم را شنیدی برگ را بجو چون می‌خواهم ببینی بعدش چه اتفاقی می‌افتد.»

شکارچی پرسید: «چیز عجیبی قرار است اتفاق بیافتد؟»

وینگ پاسخ داد: «شکارچی بزرگ، اگر در جنگل پشت آن درختِ بلوط بزرگ بمانی همه‌چیز را خواهی دید. یک ساعت پیش از غروب، سنجابِ سرخ و لشکرش می‌آیند که به من حمله کنند.»

شکارچی که شگفت‌زده شده بود پرسید: «چرا چنین کاری می‌کنند؟»

«چون سنجابِ سرخ می‌خواهد روی شاخه درختِ من برای خودش خانه بسازد. به من دستور داد که از درخت پایین بیایم و من هم قبول نکردم. پس یک ساعت قبل از غروب همراه لشکرش می‌آید تا من را از خانه‌ام بیرون کند.»

ادامه در شماره آینده



متین تیره دست

مشاور امور مالی
و فارغ التحصیل دانشگاه
صنعتی شریف و ETS



514 690 6181

www.ia.ca

- بیمه عمر
- بیمه مسافرتی
- بیمه وام مسکن
- بیمه از کار افتادگی
- حساب های پس انداز و سرمایه گذاری
- برنامه های بازنشستگی
- حساب های سرمایه گذاری کودکان

مد ارزان و اثر زیست‌محیطی آن

لباس‌های ارزانی که برای سیاره گران تمام می‌شود

زینب یوسف زاده کمد‌های امروزی پر از لباس است؛ یک طیف رنگی کامل از تی‌شرت‌ها، شلوار در مدل‌های مختلف، ردیف رخت‌آویز لباس‌های مجلسی، انواع لباس راحتی برای خانه. با اینکه در اغلب موارد به اندازه نیازمان لباس داریم ولی همین که سری به فروشگاه‌ها بزنیم و لباس‌های جدیدی بخریم برایمان حکم یک سرگرمی را دارد. حراجی‌های لباس این سرگرمی ما را با خرید لباس‌های ارزان شیرین‌تر می‌کنند و باعث می‌شوند که ما بسیار بیشتر از میزان نیازمان خرید کنیم. برای همین بخشی از کمد لباسمان را هم پوشاک تازه‌ای اشغال کرده است که سال‌هاست نپوشیده‌ایم.

صنعت تولید پوشاک، مجموعه وسیعی از فعالیت‌های اقتصادی در جهان است که برای مثال در سال ۲۰۱۸ در کانادا، ۱۱۷۸۳ میلیون دلار گردش مالی داشته است و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۳ با رشد ۸٫۶٪ به رقم ۱۷۷۶۸ میلیون دلار برسد.



بزرگ‌ترین تولیدکنندگان پارچه و لباس کشورهای شرق دور مانند چین، بنگلادش، هند و اندونزی و همچنین آمریکا و مکزیک در غرب هستند. صنعت تولید پوشاک از مواد اولیه یعنی مزارع کشت پنبه، تولید پشم، کارخانه‌های تولید الیاف پلی‌استر، مواد شیمیایی و رنگ پارچه شروع می‌شود. با تولید پارچه در کارخانه‌های نساجی و تولید لباس در کارگاه‌های تولید پوشاک ادامه می‌یابد. در نهایت این زنجیره تأمین در فروشگاه‌ها و در دست مصرف‌کنندگان نهایی پایان می‌یابد؛ اما واقعیت این است که اثرات لباس‌های رنگارنگی که به کمدهای ما راه می‌یابد به همین جا ختم نمی‌شود. لباس‌هایی که فکر می‌کنیم با قیمت‌های مناسبی از فروشگاه‌ها می‌خریم برای سیاره بسیار گران تمام می‌شود.

لباس‌های ما و محیط‌زیست

هفتاد درصد از سطح زمین پوشیده از آب است ولی از این میزان تنها ۲٫۵ درصد آن آب شیرین است بنابراین آب شیرین یکی از منابع بسیار ارزشمند و حیاتی برای جمعیت در حال گسترش زمین است. یکی از محصولات که بیشترین میزان آب را در حوزه کشاورزی مصرف می‌کند پنبه است که از مهم‌ترین مواد اولیه تولید پارچه و لباس است. برای تولید هر کیلوگرم پارچه نخی حدوداً ده هزار لیتر آب موردنیاز است و بر همین اساس برای هر تی‌شرت نخی از آغاز کشت پنبه تا انتهای دوخت بیش از ۲۵۰۰ لیتر آب مصرف می‌شود.

برای تولید پنبه سالانه میزان بسیار زیادی آفت‌کش مصرف می‌شود. این آفت‌کش‌ها آلودگی زیست‌محیطی بالایی دارند. این آلودگی ممکن است تا ۱۵۰ متری عمق آب‌های زیرزمینی ادامه یابد و یا به باران‌هایی که آلوده به آفت‌کش هستند منجر شود.


میزان بسیار بالای رنگ و مواد شیمیایی که در ساخت و چاپ پارچه استفاده می‌شود از طریق فاضلاب‌های کارخانه‌های تولید پارچه راهی آب‌های آزاد می‌گردد. همچنین درصد بالایی از میکرو پلاستیک موجود در اقیانوس‌ها از فاضلاب مربوط به شستن لباس‌های با الیاف پلی‌استر حاصل می‌شود.

تولید پارچه مسئول تولید ۱,۲ میلیون تن دی‌اکسید کربن است که با میزان تولید دی‌اکسید کربن در پروازهای بین‌المللی و دریانوردی برابری می‌کند. تعداد زیادی از کارخانه‌های تولید لباس و پارچه در کشورهای چین و هند هستند که به سوخت زغال سنگ متکی هستند و ردپای کربن صنعت تولید پوشاک را افزایش می‌دهند.

صنعت تولید پوشاک و نابرابری

امروزه نیازی نیست که وقتی دنبال یک تی‌شرت هم‌رنگ شلوارمان می‌گردیم راه دوری برویم. گاهی در سوپرمارکت سر راهمان نیز آنچه می‌خواهیم باقیمت بسیار پایینی پیدا می‌شود. احتمال زیادی دارد که این تی‌شرت به علت کیفیت پایینش با یک یا دو بار شستشو چنان از شکل و قیافه بیافتد که وارد سطل زباله شود. از آنجاکه پول چندانی خرجش نشده است دور انداختنش کار سختی نیست. تولیدکنندگان این‌گونه لباس‌ها نیز که مواد اولیه و کارگر ارزان دارند از اینکه خریداران در دوره‌های کوتاه‌تر لباس‌های بیشتری بخرند راضی‌تر هستند و اهداف شرکتشان را برای تولید بیشتر بر همین اساس پایه‌ریزی می‌کنند.



فراوانی و دسترسی آسان این مد ارزان و سریع در کشورهای مصرف‌گرا، به خاطر تلاش میلیون‌ها انسان در کشورهای نظیر چین، هند، فیلیپین و بنگلادش محقق می‌شود که حاضر به کار با کمتر از حداقل حقوق در کارگاه‌های شلوغ و غیراستاندارد هستند. در واقع هزینه اصلی لباس‌های ارزان ما را دخترانی در بنگلادش می‌پردازند که ممکن است در شرایط مشابه بردگی در حال دوختن لباس برندهای معروف غربی باشند و ناگهان ساختمان فرسوده کارگاهشان فروبریزد و صدها نفر را در یک روز به کام مرگ بکشاند. 

همچنین این مردمان حوزه آبی دریاچه آرال در ازبکستان هستند که هزینه اصلی لباس‌های ارزان ما را می‌دهند. داستان تلخ خشک شدن آرال از زمانی آغاز شد که دولت اتحاد شوروی در دهه ۱۹۶۰ برای افزایش کشت پنبه تصمیم گرفت مسیر دو رودخانه سیر و آمودریا را که بیشترین آب آرال را تأمین می‌کردند، تغییر دهد. در مقایسه با ۵۰ سال پیش، اکنون این دو رودخانه ۹۰ درصد از میزان آب خود را ازدست‌داده‌اند، دریاچه شور آرال خشک‌شده است و یکی از مشهورترین تخریب‌های زیست‌محیطی جهان در این منطقه به خاطر تولید بیشتر پنبه رقم خورده است.



راه‌حلی به نام بازیافت

نیاز به پوشاک یک نیاز اساسی برای انسان تلقی می‌شود. همچنین همراه با رشد هنر و مد نیاز به تنوع در لباس نیز به نیازهای بشر امروز افزوده شده است. صنعت تولید پوشاک سودآوری خود را بر پایه افزایش این تنوع‌طلبی پایه‌گذاری می‌کند و هزینه‌هایی را که برای محیط‌زیست و مردم کشورهای فقیرنشین تحمیل می‌کند را نادیده می‌گیرد.

می‌توانیم با خرید لباس‌های بادوام بر اساس ضرورت مدت‌زمان بیشتری از پوشاکمان استفاده کنیم و از خرید انبوه لباس‌های کم‌قیمت و باکیفیت پایین جلوگیری کنیم.

خرید لباس‌های بادوام دست‌دوم راه خوبی برای استفاده دوباره و برآورده شدن حس تنوع‌طلبی ما در مورد لباس در جامعه امروز است. بازیافت راه دیگری برای کاهش مصرف مواد اولیه پوشاک است. در حال حاضر کارخانه‌های تولید پارچه‌ای هستند که از مواد بازیافتی برای تولید محصولات خود استفاده می‌کنند. همچنین بازیافت لباس‌های فرسوده و تبدیل آن‌ها به سایر کالاها نظیر انواع کف‌پوش‌ها می‌تواند به کاهش حجم زباله‌های ناشی از دورریز پارچه و لباس کمک کند.

در شرایطی که هنوز تولیدکنندگان کالا در قبال منابع اصلی سیاره مسئولانه برخورد نمی‌کند، ما می‌توانیم با اجتناب از خرید غیرضروری لباس‌های ارزان و بی‌کیفیت با این جریان مخرب مقابله کنیم.



مداد

راهنما

رسانه‌های اجتماعی

دنبال کنید!

[instagram.com/mtl_medad](https://www.instagram.com/mtl_medad)

goo.gl/4xL4yV

fb.me/MTLMedad

twitter.com/Medad_MTL



پیشنهادهای

سوسپیریا

نالهای از اعماق تاریخ جهان

فاطمه موسوی در طریقت شرقی بدن پرده و حجابی است بر واقعیت، مانعی بر اکتشاف ذات و قدرتهای حقیقی انسان؛ اما در سوسپیریا، لوکا گوادانینو وجهه‌ی باستانی و البته تاریک‌تر جسم را به شما نمایش می‌دهد، این‌که آیا می‌توان با انجام حرکات خاصی بدن را تبدیل به دریچه‌ای برای ورود نیروهای ناشناخته به این جهان کرد؟ ظاهراً پاسخ مثبت است. مارتا گراهام رقصنده‌ی معروف آمریکایی معتقد بود رقصنده‌ها پیامبرانی از سوی خدایان‌اند. به نظر می‌آید فیلم سوسپیریا نیز با این تفسیر موافق باشد، البته به شرطی که جای خدایان را با اهریمنان عوض کنیم.

قصه‌ی فیلم در برلین ۱۹۷۷ رخ می‌دهد، در آلمانی که سی سال پس از پایان کار نازی‌ها، سرگردان میان دموکراسی که آمریکا برایش هدیه آورده و مقاومت در برابر آشفتگی جنگ‌های داخلی پیرو جنبش دانشجویی دهه‌ی شصت، در پی یافتن هویت جدیدی برای خود است. در همین بین است که سوزی بنین (داکوتا جانسون) دخترک آرام آمریکایی وارد داستان می‌شود. او که از اوهایو به برلین آمده، در جستجوی یافتن جایگاهی در آکادمی رقص مارکوس (یکی از بهترین مراکز رقص دنیا) و آموزش زیر نظر معلم معروفی به نام مادام بلانک (تیلدا سوئینتن) است.



آکادمی اما درگیر پرونده‌ی گم شدن یکی از هنرجوهایش به نام پاتریشیا هینگل (کلوئی گریس مورتز) شده، دختر جوانی که ما فیلم را با تماشای ملاقات او با روانشناس سالخورده‌ای به نام جوزف کلمپر (دوباره تیلدا سوئینتن اما این بار زیر گریمی سنگین و در نقش یک مرد) آغاز می‌کنیم. پاتریشیا معتقد است مدرسه توسط گروهی از ساحره‌ها هدایت می‌شود و جان‌ش در خطر است، اما کلمپر مانند هر تحصیل‌کرده‌ی عاقل دیگری با این تصور که پاتریشیا دچار توهم شده این ادعا را باطل می‌داند. نهایتاً پس از ناپدید شدن پاتریشیا است که کلمپر به مدرسه مشکوک شده و سعی می‌کند با سایر هنرجویان آکادمی تماس گرفته و به دنبال دخترک بگردد.

درحالی‌که کلمپر برای مدت طولانی درگیر بررسی صحت ادعاهای پاتریشیا است، فیلم خیلی زود تکلیف ما را با حقیقت مشخص می‌کند. بله آکادمی به‌واقع توسط فرقه‌ای از ساحره‌ها هدایت می‌شود که با استفاده از جسم و روح دختران معصوم، عمر جاودانی برای رئیس فرقه هلنا مارکوس (بازهم تیلدا سوئینتن) می‌خرند. به‌مرور که سوزی با نمایش استعداد فوق‌العاده خود تبدیل به سوگلی مدرسه و مادام بلانک شده و نقش اول اجرای جدید مدرسه را از آن خود می‌کند، ما نیز وارد لایه‌های تاریک و زیرزمینی این آکادمی مخوف می‌شویم. طبق توضیحات پاتریشیا در دفتر خاطراتش که در خانه‌ی دکتر کلمپر جا گذاشته، نیروی شیطانی حاکم بر مدرسه یکی از سه مادر باستانی است: «سه مادر، گمشده در زمان، باستانی‌تر از تمام آموزه‌های مسیحیت، مربوط به قبل از وجود خدا و شیطان. مادر تنبراروم، مادر لاکریماروم و مادر سوسپیریوم: تاریکی، اشک‌ها و آه‌ها.»



یکی از صحنه‌های فراموش‌نشده‌ی فیلم، لحظه‌ی تنبیه الگا هنرجوی معترضی است که آکادمی را برای ناپدید شدن پاتریشیا مقصر می‌داند و آن‌ها را گروهی جادوگر می‌خواند. الگا که تصمیم به خروج از مدرسه دارد ناگهان خود را در اتاقی با دیوارهای آینه‌ای محبوس می‌بیند. به‌صورت موازی و در سالنی دیگر، سوزی برای اولین رقص جدی خود آماده می‌شود و با استفاده از قدرتی که مادام بلانک با لمس کردن به او منتقل می‌کند، ارتباطی نامرئی بین اعضای بدن الگا و سوزی به وجود می‌آید. اجرا آغاز می‌شود و با هر پیچشی که سوزی در رقص به بدن خود می‌دهد، بدن الگا دچار تاب‌خوردگی دائمی می‌شود که برگشت‌ناپذیر است. این تنبیه رعب‌انگیز تا جایی ادامه می‌یابد که از الگا جز لحمی در میان استخوان‌های شکسته باقی نمی‌ماند و البته تمام مهارت‌های رقص الگا نیز به سوزی منتقل می‌شود. مثال کم‌رنگ‌تر این ماجرا را در ادامه‌ی فیلم نیز شاهدیم، زمانی که سوزی در اجرای بخشی از رقص که شامل بالا پریدن است به مشکل برمی‌خورد. در نتیجه مادام بلانک ترتیبی می‌دهد که ماهرترین رقصنده در پرش، دچار تشنجی دردناک شود تا نیرو و مهارتش به جسم سوزی انتقال یابد، تو گویی که رسیدن هر زن به قالبی ایدئال جز با سلاخی دیگر هم‌جنسانش امکان‌پذیر نیست.





مادر مارکوس در فیلم نماد مشخص فردی است که قدرتی را غصب کرده که شایسته‌اش نیست. او خود را به‌دروغ مادر سوسپیریا معرفی می‌کند تا فرقه باور کند برای حیات خود به او وابسته است. مارکوس برای ادامه‌ی رهبری دروغینش به دختران جوان نیاز دارد تا با تغذیه از روح و جسم آن‌ها به حیات حیوانی خود ادامه دهد، او ضحاک است که این بار از دنیای غرب سر برآورده و رقصی که هنرجویان آکادمی انجام می‌دهند نیز در واقع سوختی است برای زنده نگه‌داشتن این روح خبیث؛ و نهایتاً بازهم حضور ناجی آمریکایی است که به این سلطه‌ی نا به‌جا پایان می‌دهد، سوزی است که گرچه در ابتدا به نظر می‌آید قربانی بعدی مادر مارکوس باشد، با چرخش تدریجی داستان بر مسند قدرت می‌نشیند، منصبی که از کودکی برای آن آماده بود. شفقتی که سوزی در انتها در مقابل قربانیان بی‌گناه نشان می‌دهد و فرمان مرگی که نصیب خائنین می‌کند، از نگاه فیلم نشانه‌های یک رهبر شایسته است. پس از رهبری سوزی است که دوباره هدف از رقصیدن نمایش زیبایی می‌شود نه صرفاً حفاظت از پلیدی.

می‌توان با قطعیت گفت سوسپیریا فیلمی نیست که همگان را راضی نگه دارد اما از نظر من دیدنش خالی از لطف نیست. باوجود خراش عمیقی که ممکن است تماشای آن بر روح‌تان به‌جای بگذارد، سوسپیریا به طرز نفس‌گیری زیباست. من عاشق تم خاکستری و فضای شهری برلین شدم، همراه بارانی که هرگز بند نمی‌آید و هر پلان آن‌که به‌مثابه‌ی قاب عکسی بود که می‌شد به دیوار آویخت. نهایتاً اما معتقدم سوسپیریا از آن دست فیلم‌هایی است که برای داشتن نظری واقعی درباره‌اش، تماشای دست‌کم دو بار آن ضروری است.

خداحافظی NHL با چهارم بالا گرفتن استرس و هیجان
در بازی‌های این فصل هاکی ربی

خداحافظی NHL با چهار مربی

هدی حسینی ورزش هاکی به دلیل علاقه و تعصب هوادارانش، همین‌طور سرمایه‌گذاری‌ها و تبلیغات درعین حال که به محیطی جذاب برای دنبال کردن بازی‌ها تبدیل شده، پشت‌صحنه پرتنشی را برای متصدیان‌ش ایجاد کرده است. فصل قبل به خاطر این‌که هیچ مربی در لیگ ملی هاکی NHL از کار برکنار نشد در نوع خود بی‌نظیر بود اما در فصل جاری بالاخره سطح بالای انتظارات از مربیان قربانی‌های خودش را گرفت و تابه‌حال چهار مربی حکم اخراج را دریافت کرده‌اند. آخرین آن‌ها تاد مک للان مربی تیم ادمونتون بود. او به جمع جان استیونس (لس آنجلس کینگز)، جوئل کوئویل (شیکاگو بلک هاکس) و مایک یئو (سن لوئیز بلوز) پیوست. فاصله اخراج یئو و مک للان کمتر از ۱۲ ساعت بود و هر دو مربیان تیم‌هایی بودند که در نتیجه‌گیری مشکل داشتند. تیم مک للان طی سه فصل اخیر دو بار از راه‌یابی به مرحله پلی‌آف بازمانده بود و به نظر می‌رسید که این فصل هم شانس زیادی در این زمینه نداشته باشد.

اما سنت لوئیز که چهار تا از پنج بازی اخیرش را باخته تیم سی‌ام جدول کلی است و دو امتیاز تا آخر جدول فاصله دارد. کوئویل مربی سابق شیکاگو بلک فایر بیش از ده فصل هدایت این تیم را بر عهده داشته و با آن‌ها سه جام استنلی را بالای سر برده.





این وضعیت باحال و هوای فصل ۲۰۱۷-۱۸ برای مربیان زمین تا آسمان تفاوت دارد چون فصل قبل برای اولین بار در طول بیش از پنجاه سال بود که هیچ مربی از باشگاهش اخراج نشد. کلود جولین مربی مونترال کنترین هم از همان ابتدای فصل با انتقادات فراوانی روبرو بوده. برخی معتقدند

که تفکرات دفاعی او به خوبی در این تیم پیاده نشده است. عده‌ای دیگر به ناتوانی‌اش در ارائه یک رویکرد پیشرفته‌تر برای مواجهه با حریفان اشاره می‌کنند. علاوه بر این‌ها جولین به خاطر این‌که تمایل چندانی به دادن اطلاعات تیم به هواداران و رسانه‌ها ندارد و شفاف عمل نمی‌کند نارضايتی‌های زیادی را به وجود آورده.

حالا زنگ خطر برای تیم‌هایی که نتایج دل‌چسبی را در بیست بازی اولشان نگرفته‌اند به صدا درآمده و ۲۷ مربی دیگر فصل فشار بیشتری را روی خود

احساس می‌کنند. سطح بالای

انتظارات هواداران و فشار

مدیران از عوامل استرس

مربیان است و انتشار

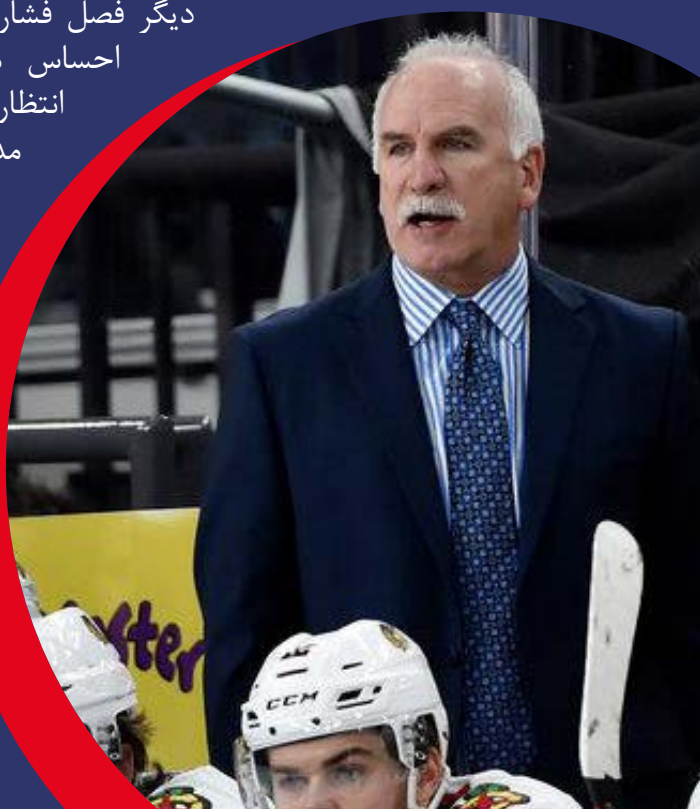
خبر اخراج پیاپی

مربیان در این

فصل هم آتش

ماجرا را تیزتر

کرده است.



vorud.com

بزرگترین مرکز خدمات اسکان و استقبال در کانادا



- 1- اخذ ویزای 5 ساله کانادا
- 2- استقبال در فرودگاه های تورنتو ، ونکوور و مونترال
- 3- اجاره آپارتمان های مبلیه در تورنتو ، ونکوور و مونترال
- 4- انجام تمام نیاز های روز های اول مهاجرت به کانادا
- 5- تور مراکز خرید و معرفی مکان های مورد نیاز روزمره
- 6- افتتاح حساب بانکی و دریافت کردیت کارت به نام متقاضی
- 7- اخذ بیمه درمانی و انجام امور مالیاتی
- 8- ثبت نام مهد کودک ، مدرسه دولتی و خصوصی
- 9- انجام کلیه خدمات بیمارستانی برای مادران باردار
- 10- انجام کلیه امور مربوط به ثبت شرکت ، برند و اخذ نمایندگی
- 11- خرید و اجاره اتومبیل و دریافت گواهینامه

دفتر تهران: 021 22 42 51 47
021 22 42 97 22

دفتر مونترال: 438 807 7705

دفتر تورنتو: 647 491 0098

دفتر ونکوور: 604 259 4340

سرمایه‌گذاری کمپانی نیسان - میتسویشی بر روی اپلیکیشن ترانزیت مونترال

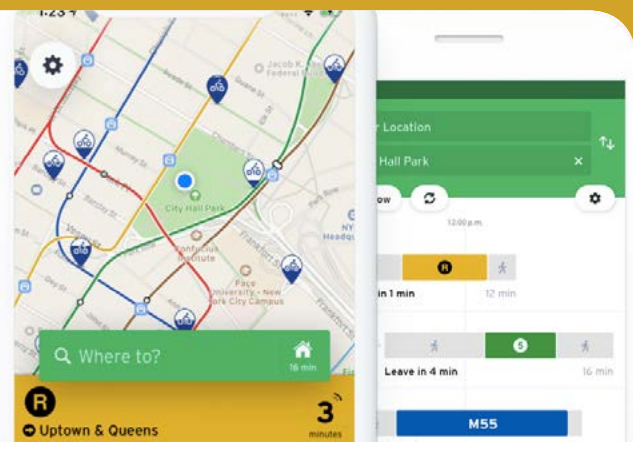
امیرحسین عبدلی ناصر کمپانی آلیانس ونچر، بازوی سرمایه‌گذاری استراتژیک رنو، نیسان و میتسویشی، اعلام کرد: بر روی اپلیکیشن ترانزیت که برنامه حمل‌ونقل در مونترال است، سرمایه‌گذاری خواهد کرد. این یکی از جدیدترین سرمایه‌گذاری‌های فناوری توسط کمپانی آلیانس ونچر است که در اوایل سال جاری برای حمایت از راه‌اندازی، توسعه اولیه و کارآفرینی در چهارچوب سیستم‌های نسل بعدی برای صنعت خودرو و حمل‌ونقل است. فرانسوا دوسا، نایب‌رئیس آلیانس گلوبال گفت: ما خوشحال هستیم که در صنعت حمل‌ونقل شهری آمریکای شمالی سرمایه‌گذاری می‌کنیم. این سرمایه‌گذاری که برای ارتقای حمل‌ونقل و پیشرفته‌تر شدن آن در نظر گرفته شده است با استراتژی اتحاد ۲۰۲۲ سازگار است.

اپلیکیشن ترانزیت، حمل‌ونقل چندمنظوره را قادر می‌سازد تا با حمل‌ونقل عمومی مانند تاکسی، دوچرخه‌های اشتراکی و اسکوترهای اشتراکی را یکپارچه‌سازی کند. این سیستم داده‌های لحظه‌ای را از آژانس‌های حمل‌ونقل دریافت و آن را با کاربر هماهنگ می‌کند.

حالت‌های جدید ترانزیت قرار است به‌زودی قابل‌دسترس باشند در صورتی این قابلیت برای خودروهای اشتراکی چندین دهه طول کشید ولی در حال حاضر این سرویس برای دوچرخه‌های الکترونیکی و اسکوتر در هفته‌های آینده امکان‌پذیر خواهد بود.

کاربران اپلیکیشن ترانزیت قادر خواهند بود با فعال کردن گزینه GO اطلاعات لحظه‌ای سفر خود را ببینند. این اپلیکیشن می‌تواند گزارشی از زمان تقریبی رسیدن خودرو به محل موردنظر را گزارش کند و به کاربر اطلاع دهد تا چه زمانی

برای سوارشدن به خودرو محل خود را ترک کند. این سرمایه‌گذاری قابلیت ترانزیت در حمل‌ونقل چندوجهی را بهبود می‌بخشد و شیوه‌های جدید رفت‌وآمد را در دسترس قرار می‌دهد. این اپلیکیشن در بیش از ۷۰۰ حوزه شهری در حال خدمات‌رسانی است.



واقعیت مجازی و بازی‌های رایانه‌ای در مونترال

رویدادی با محوریت فناوری VR و بازی‌های ویدئویی

به تازگی جامعه Tech Aide که در زمینه سرمایه‌گذاری و سازمان‌دهی مراسم فناوری فعالیت می‌کند، رویدادی را برای علاقه‌مندان به صنعت بازی‌های ویدئویی تدارک دیده است که در تاریخ ۲۸ نوامبر ۲۰۱۸ ساعت ۱۸ تا ۲۰ در شهر مونترال و با همکاری کمپانی Ubisoft برگزار می‌شود.

بلیت این رویداد شامل ۲ عدد نوشیدنی، یک اسنک کوچک و بلیت برگشت به مرکز شهر مونترال از Ubisoft World است. با توجه به عوامل این رویداد، Ubisoft World مرکز جذاب و هیجان‌انگیزی برای طرفداران این صنعت است.

برای این مرکز ۱۰ ایستگاه بازی‌های ویدئویی و ۱۰ ایستگاه بازی‌های آرکید در نظر گرفته شده است. برای بخش VR هم نیز آخرین فناوری این صنعت در اختیار مردم قرار خواهد گرفت تا با جدیدترین صندلی‌های شبیه‌ساز هیجان‌انگیزترین تجربه واقعیت مجازی را داشته باشند.

جامعه Tech Aide توسط الن مکینتاش (Alen Macintosh)، مؤسس شرکت سرمایه‌گذاری حقیقی (OSMO) و الن اوکلر (Alen Auclair)، سرپرست بانکداری (UBS) بنا شده است و در راستای خدمات‌رسانی به صنعت فناوری مونترال فعالیت می‌کند. قیمت بلیت‌های این رویداد ۱۰۰ دلار است که می‌توانید از این سایت خریداری کنید.

TechAIDE <small>Centrals of Greater Montreal</small>	G A M E N I G H T BY TECHAIDE FOR CENTRAIDE		6-8 PM
	NOVEMBER 28TH @UBISOFT WORLD	SHUTTLE BUSES DEPARTING FROM AND RETURNING TO NOTMAN HOUSE	



اولین و بهترین نان بیگلِ فروشی مونترال میراث خوشمزه پدر بزرگ یهودی مهاجر

مریم ایرانی اگر از دسته آدم‌های سحرخیزی هستید که در روزهای نخستین زمستان هم حاضرند برای تجربه کردن یک صبحانه متفاوت در سوز و سرمای برف از خانه بیرون بزنند، این هفته برای شما یک پیشنهاد ویژه داریم. در اولین نان بیگلِ فروشی مونترال که در اوایل قرن بیستم میلادی تأسیس شده، در کنار یک تنور بزرگ چوبی می‌ایستید و انواع و اقسام این نان سنتی و خوشمزه را با پنیرهای متفاوت مزه می‌کنید. البته مطمئن باشید که این نان سنتی آن قدر خوشمزه هست که بقیه مونترالی‌ها را هم مثل شما از سراسر شهر به این مغازه می‌کشاند تا از خوردن صبحانه ساده ولی محبوبشان درحالی که از تماشای عکس‌های قدیمی این مغازه لذت ببرند.

نان بیگل

هر شهری در دنیا به یک خوراکی خاص مشهور است. مثلاً بیشتر شهرهای آمریکا به ساندویچ‌های همبرگر و استیک و رست بیف، لندن به مزه برشته ماهی و سیب‌زمینی سرخ‌کرده که همه آن را به فیش اند چیپس می‌شناسند و مونترال به نان بیگل.



مونترال به‌عنوان یک شهر چند فرهنگی و مهاجرنشین، بیشتر شهرت مواد غذایی‌اش را مدیون مهاجران است. اروپایی‌هایی که در مونترال ساکن شدند، آداب‌ورسوم آشپزی خود را برای مردم مونترال به ارمغان آوردند. یکی از مهم‌ترین این ارمغان‌های فرهنگی، نان بیگل بود. این نان، توسط مهاجران یهودی از لهستان و سایر کشورهای اروپای شرقی به آمریکای شمالی آورده شد. نان بیگل، beygal یک نان ویژه یهودیان ساکن لهستان در قرن ۱۷ میلادی بود که معنی‌اش نان گرد است. این نان را معمولاً به‌صورت ساده و گرد و توخالی پخت می‌کردند و انواع و اقسام مغزها و دانه‌های گیاهی را روی آن می‌ریختند.

البته بر سر اینکه چه کسی دقیقه، این نان را به مونترال آورد، بحث هست. مورخان می‌گویند Chaime (Hyman) Seligman کسی بود که نخستین بار این نان‌ها را روی گاری می‌فروخت و بعد در اوایل سال ۱۹۰۰ در بلوار سن لوران، یک مغازه نانوايي باز کرد که به‌طور خاص بیگل بفروشد؛ اما روایت معتبرتر و مشهورتری که درباره اولین نانوايي مخصوص بیگل وجود دارد که در واقع ما را به اولین نانوايي که قرار است شما را به آنجا ببریم می‌کشد.

اولین نان بیگل فروشی مونترال به نام Fairmount

سال ۱۹۱۹ بود که Isadore Shlafman، یک مهاجر یهودی خوش‌فکر، پایش به مونترال رسید. با یک نگاه اجمالی و بررسی سریع متوجه شد که این شهر به یک نان بیگل فروشی احتیاج دارد، بنابراین فوراً دست‌به‌کار شد. اولش مثل همه مهاجران اروپایی که از بلوار سن لوران، کارشان را شروع کردند، مغازه‌اش را در این خیابان

تأسیس کرد و در یک تنور چوبی

نان درست می‌کرد. ولی

بالاخره تصمیم گرفت

برای پیشرفت بیشتر

جای خودش را

عوض کند.

LA MAISON DE
L'ORIGINAL
FAIRMOUNT
BAGEL





در سال ۱۹۴۹،
پدربزرگ Isadore
از بلوار سنت لوران به
خیابان فغمونت Fair-
mount نقل مکان کرد.
او یک خانه کوچک جذاب

خرید، دیوار پشتی را کوبید و یک
تنور بسیار جالب در آنجا طراحی کرد. او

و خانواده اش در طبقه بالای همین نانوايي زندگي مي کردند. بعد از مدتی، پسرش، جک، هنر پیتزا درست کردن را یاد گرفت و به کسب و کار او رونق بخشید. آن‌ها تمام نان‌ها را با دست خود درست کرده و در تنور می‌پختند. از آنجایی که مغازه آن‌ها در خیابان فغمونت قرار داشت، به نام نانوايي "The Original Fairmount Bagel Bakery" تغییر نام پیدا کرد. امروز، خانواده Shlafman همچنان بیگل خود را با استفاده از سنت‌ها و روش‌های مشابه پدربزرگشان می‌پزند. هنوز هم این نان‌ها با دست درست می‌شوند و در تنوری که با هیزم و چوب ساخته شده، پخت می‌گردند.

اگر سری به این مغازه بزنید، می‌توانید علاوه بر لذت بردن از طعم نان این تنور قدیمی و هیزم‌هایش را هم ببینید. این را هم به شما بگویم که نان بیگل مونترال، نسخه مخصوص خودش را دارد. در نسخه مونترالی، از جوانه گندم و شکر در تهیه نان استفاده می‌شود و آب مورد استفاده برای درست کردن نان‌ها با عسل مزه دار می‌شود. در حالی که این نان در تورنتو و نیویورک، زیاد شیرین نیست و دانه‌های روی آن هم متفاوت است.

درباره محبوبیت بیگل‌های مونترالی و علی‌الخصوص این مغازه خاص، باید این را هم بدانید که Greg Chamitof فضاورد ۴۶ ساله مونترالی که در ناسا کار می‌کند آن‌قدر به این نان‌ها علاقه داشت که شش عدد از آن‌ها را برای یک مأموریت خاص از این مغازه خرید و در سال ۲۰۰۸ به یکی از ایستگاه‌های فضایی برد.



بهترین انتخاب‌هایی که با این نان‌ها دارید

برای صبحانه، اکثر مونترالی‌ها، ترجیح می‌دهند، نان بیگل کنجدی که نمونه سنتی و معروف این نان است را با انواع پنیرهای خامه‌ای و طعم‌دار امتحان کنند. یکی از این پنیرها، پنیری است با طعم ماهی سالمون که البته ممکن است به مذاق ما ایرانی‌ها خیلی خوش نیاید. باین‌حال، در یخچال این نانوايي، هر پنیری دوست داشته باشید هست. همان‌جا یک ظرف پنیر بخريد و با نان‌های بیگل نوش جان کنید. این را هم بدانید که انواع نان‌های طعم‌دار شکلاتی و عسلی هم هستند که خالی هم خوشمزه هستند و گزینه خوبی برای صبحانه محسوب می‌شوند. نان و کره بادام‌زمینی هم انتخاب خیلی هیجان‌انگیزی است که نباید از آن غافل شوید. برای سایر وعده‌ها، گوشت دودی، ماهی سالمون و سوسیس و پنیر از دیگر خوراکی‌های موردعلاقه مونترالی‌ها هستند که با این نان سرو می‌شوند.

نام: FAIRMOUNT BAGEL BAKERY



محل: 74 Avenue Fairmount O, Montréal, QC H2T 2M2

ساعات کار: ۲۴ ساعت

قیمت: کمتر از ۲۰ دلار

چطوری آنجا برویم؟

از ایستگاه متروی مونت رویال در خط نارنجی سوار اتوبوس شماره ۹۷ به سمت غرب شوید و در ایستگاه du Mont-Royal / Saint-Urbain پیاده شوید. بعد از حدود یک دقیقه به این نانوايي می‌رسید.

Clinique Dentaire
Villeray



کلینیک دندانپزشکی

ویلری

دکتر انوش عندلیبی

جراح دندانپزشک

تلفن: ۵۱۴۲۷۰۰۰۷۷

61, rue Villeray
métro De Castelnau
Montréal, Qc. H2R 1G2



سلامت فراموش شده مردان

مهرنوش اردلان یکتا یکی از رویدادهایی که در چند سال اخیر در ماه نوامبر سازمان‌دهی و اجرا می‌شود حرکت موومبر (Movember) است. موومبر یک تکواژه چندوجهی است و از واژه‌های انگلیسی Moustache و No- vember به وجود آمده است. در این حرکت مردان به‌منظور توجه و تغییر نگرش نسبت به بهداشت و سلامت مردان، سبیل می‌گذارند. هدف آن‌ها جلب توجه تمامی مردان به معاینات سالیانه و شناسایی بیماری‌هایی مانند سرطان پروستات در مراحل اولیه بیماری است. به این منظور مطلب این هفته را به سرطان پروستات که از شایع‌ترین سرطان‌های مردان است، اختصاص داده‌ایم.

سرطان پروستات چیست؟

پروستات غده کوچکی در مردان است که در زیر مثانه قرار دارد و با تولید مایع منی موجب تغذیه و حرکت اسپرم‌ها می‌شود. سرطان پروستات شایع‌ترین سرطان در مردان است. سرطان پروستات انواع متعددی دارد برخی انواع آن رشد بسیار آهسته‌ای دارد و علائم چندانی تولید نمی‌کند، ولی بعضی از انواع آن بسیار تهاجمی هستند و بدون درمان به سرعت رشد می‌کنند و به نقاط دیگر بدن هم می‌توانند پخش شوند. سرطان پروستات چهارمین سرطان شایع در کاناداست و از هر هفت مرد کانادایی یک نفر در طول عمرش دچار سرطان پروستات می‌شود. ۹۹ درصد موارد سرطان پروستات در مردان بالای ۵۰ سال اتفاق می‌افتد و ۷۰ درصد سرطان‌های پروستات در مراحل اولیه یک و دو بیماری تشخیص داده می‌شوند.

نشانه‌های بیماری

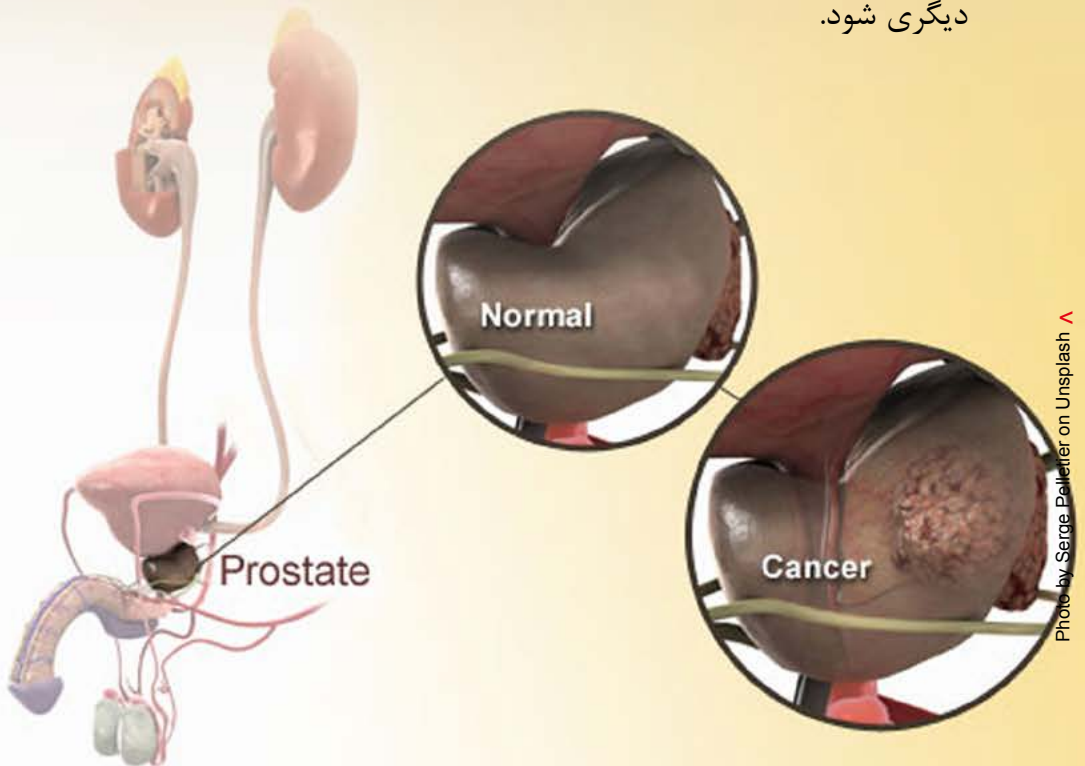
سرطان پروستات در مراحل اولیه بدون علامت است و در مراحل پیشرفته‌تر بیماری ممکن است علائم زیر دیده شود:

- سختی در هنگام شروع ادرار کردن
- تکرر ادرار بخصوص در هنگام شب
- جریان ادرار ضعیف یا دارای وقفه
- خون در مایع منی و یا ادرار
- احساس ناراحتی در ناحیه لگن
- درد استخوانی
- اختلال در نعوظ

در صورت وجود هر کدام از این نشانه‌ها باید حتماً با پزشک مشورت شود. لازم به یادآوری است که بعضی از این علائم می‌تواند در بزرگ شدن خوش‌خیم پروستات نیز دیده شود و همیشه نشانه سرطان نیستند. تنها پزشک می‌تواند با انجام معاینات و آزمایش‌های تکمیلی به تشخیص قطعی برسد.

غربالگری سرطان پروستات

دو روش برای غربالگری و تشخیص زودهنگام سرطان پروستات وجود دارد. یکی از این روش‌ها معاینه انگشتی - مقعدی (DRE) است که به وسیله پزشک صورت می‌گیرد و از طریق معاینه اگر تورم یا سفتی بر روی غده پروستات وجود داشته باشد، تشخیص داده می‌شود. روش دیگر اندازه‌گیری نوعی آنتی‌ژن اختصاصی پروستات (PSA) - که پروتئینی است که به وسیله سلول‌های پروستات تولید می‌شود - در خون است. PSA در سرطان پروستات و بزرگ شدن خوش‌خیم پروستات می‌تواند بالا رود. این دو روش مکمل هم هستند و هیچ‌کدام نمی‌تواند جایگزین دیگری شود.

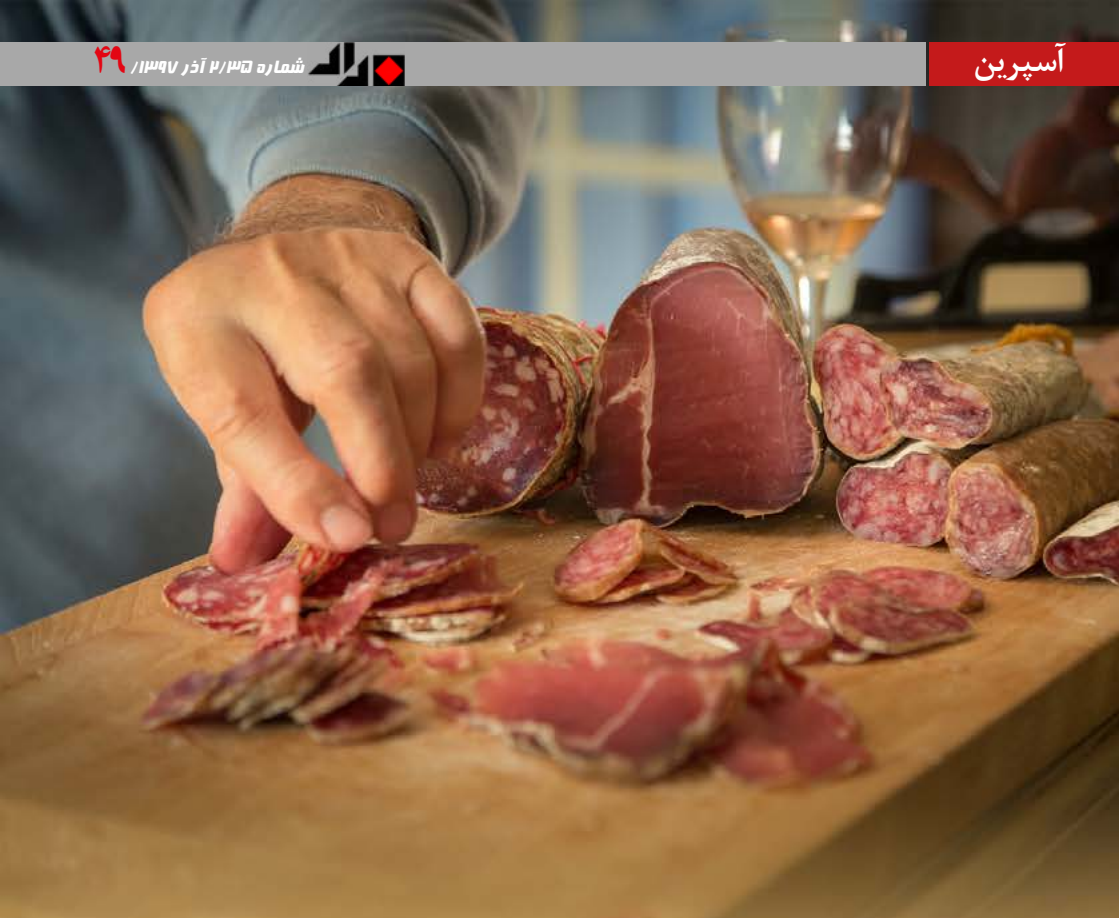


معمولاً حدود سن ۵۰ سال را برای غربالگری سرطان پروستات در نظر می‌گیرند ولی پروتکل همگانی برای همه افراد هنوز وجود ندارد و بحث بر سر آن زیاد است. چنانچه فرد در فامیل درجه یک مانند پدر و برادر سابقه سرطان پروستات وجود داشته باشد سن شروع غربالگری پایین‌تر در نظر گرفته می‌شود.

عوامل خطر بیماری

- فاکتورهایی که می‌تواند خطر سرطان پروستات را افزایش دهند شامل:
- سن: ریسک سرطان پروستات با بالا رفتن سن افزایش می‌یابد.
 - نژاد: افرادی که از تبار آفریقایی هستند ریسک بالاتری برای سرطان پروستات دارند.
 - سابقه خانوادگی: مردانی که در خانواده‌شان تاریخچه‌ای از سرطان پروستات وجود دارد و یا در سابقه خانوادگی، نوعی از سرطان پستان که با ژن BRCA1 یا BRCA2 در ارتباط است وجود داشته باشد، در خطر بالاتری از ابتلا به سرطان پروستات هستند.
 - چاقی: احتمال این‌که سرطان پروستاتی که در مردان چاق تشخیص داده می‌شود نوع پیشرفته‌تر و یا مقاوم‌تر به درمان باشد، بیشتر است.





پیشگیری

با پیروی از موارد ذکرشده می‌توان ریسک ابتلا به سرطان پروستات را کاهش داد:

- انتخاب رژیم غذایی سالم: رژیم غذایی که غنی از میوه و سبزی‌ها باشد و تا حد امکان از مصرف گوشت قرمز به‌ویژه پرچربی یا لبنیات چرب خودداری شود، مصرف مواد پروتئینی فرآوری شده و الکل حذف یا به حداقل برسد. جایگزینی آرد کامل به جای آرد سفید می‌تواند به داشتن رژیم غذایی سالم کمک کند.
 - ورزش در بیشتر روزهای هفته: انجام ورزش روزانه نه تنها باعث کاهش وزن می‌شود بلکه در مطالعات ثابت شده است که مردان ورزشکار سطح PSA پایین‌تری نسبت به افرادی که ورزش نمی‌کنند دارند.
 - کاهش وزن و حفظ تناسب‌اندام: با کاهش غذاهای پرکالری و ورزش کردن، به کاهش ریسک بیماری کمک می‌شود.
- بعد از تشخیص بیماری بسته به نوع سرطان، مرحله بیماری و سن بیمار روش‌های درمانی متفاوتی برای بیمار مورد استفاده قرار می‌گیرد که دامنه آن از پرتودرمانی و شیمی‌درمانی تا برداشت غده با جراحی و یا ترکیبی از این روش‌ها متفاوت است.
- در هر حال توجه به سلامت عمومی و مشاوره با پزشک در مورد انجام آزمون‌های غربالگری در صورتی که مرد بالای ۵۰ سال هستید و یا در خانواده سابقه بیماری داشته‌اید از اهدافی است که حرکت «موومبر» سعی دارد به شما یادآوری کند.



مهرنوش اردلان بکتا سالها در ایران طبابت کرده و حالا اینجا در مونترال تلاش دارد با روزنامه‌نگاری، تجربیات خود را در اختیار شما قرار دهد. او پاسخگوی سؤالات شما در حوزه سلامتی خواهد بود. این پاسخها صرفاً جنبه اطلاع‌رسانی دارد. برای هرگونه درمانی باید به پزشک خود مراجعه کنید. سؤالات پزشکی خود را به آدرس زیر ارسال کنید:

info@medad.ca

حساسیت کودک به پوشک

با سلام کودک هشت‌ماهه‌ای دارم که مرتباً دچار قرمزی پوست ناشی از پوشک می‌شود. مرتب از گلیسیرین استفاده می‌کنم و پوشک را زودبه‌زود تعویض می‌کنم. مشکل برطرف ولی دوباره ایجاد می‌شود. آیا باید به پزشک مراجعه کنم؟

سلام به شما دوست عزیز. از کارهایی که می‌توان برای پیشگیری از بثورات پوستی ناشی از پوشک انجام داد پرهیز از محکم بستن پوشک و بدون پوشک بودن کودک برای مدت طولانی‌تری در روز است تا با استفاده از جریان هوا محل پوشک خشک شود. از کارهای دیگری که می‌توان انجام داد استفاده از زینک اکساید یا گلیسیرین به‌طور مرتب است. حتماً از دستمال‌های مرطوب مخصوص کودکان که فاقد الکل و عطر هستند استفاده کنید و با هر بار تعویض سعی کنید کودک را با آب ولرم بشویید و به آرامی خشک کنید. در مواردی که این بثورات بسیار شدید و غیرطبیعی باشد، با تب همراه باشد یا با ادرار یا مدفوع کردن کودک احساس درد کند، محل بثورات خونریزی یا خارش داشته باشد یا با درمان خانگی بدتر شود به‌طور حتم نیاز به معاینه کودک توسط پزشک است.

شما هم اگر سوالی در زمینه مسایل پزشکی و سلامت عمومی دارید می‌توانید با ما تماس بگیرید تا در این بخش به سوال شما پاسخ داده شود



مریم دلشاد

مشاور سفرهای شما

- ◀ مناسب ترین قیمت بلیت
- ◀ تور و کروز
- ◀ بیمه سفر
- ◀ حج عمره و تمتع



VOYAGES MENARA



Cell: 438-405-8323

Tel: 514-940-0911

Email: [maryamdelshad @ voyagesmenara.ca](mailto:maryamdelshad@voyagesmenara.ca)

Address: 1620B Sherbrooke St. W

Montreal, QC H3H 1C9

روایتی جذاب از یک بنای قدیمی زیر تپه مونت رویال

تونلی از جنس زمان برای مونترال

مریم ایرانی اگر هنوز در خودتان احساس ماجراجویی کودکانه دارید و یا کلاً به شنیدن درباره قصه‌های قدیمی و کشف کردن جاهای عجیب و غریب در دل تاریخ علاقه‌مند هستید، این مطلب برایتان بسیار جذاب خواهد بود. اینکه اگر برایتان بگویم، در زیر تپه مونت رویال، یک تونل بسیار بزرگ است که می‌توانید با قطار در آن در دل داستان‌های تاریخی از ابتدای قرن بیستم تا به امروز به سیر و سیاحت بروید. این تونل زمان با قدمت یک قرن، سومین تونل طولانی در تمام کانادا هم هست.

سال ۱۹۱۰، شرکت حفاری راه‌آهن شمال در کانادا CNOR تصمیم گرفت این تونل را بسازد. در آن مهروموم‌ها دو شرکت رقیب به نام‌های CPR و GTR در مونترال بودند که قبل از اینکه شرکت حفاری راه‌آهن شمال دست به کار ساخت خطوط راه‌آهن بشود، در مسیرهای جنوب و شرق، خطوطی را راه‌اندازی کرده بودند. باین حال هیچ خط راه‌آهن مستقیمی وجود نداشت که مرکز و جنوب شهر مونترال را به شمال شهر وصل کند؛ بنابراین آن‌ها راه مستقیمی را انتخاب کردند که از زیر تپه مونت رویال می‌گذشت. این همان برگ برنده شرکت راه‌آهن شمال بود. برای اینکه این



کار میسر شود، شرکت راه‌آهن شمال ابتدا تمام زمین‌های کشاورزی منطقه شمال مونترال را که قیمت زیادی نداشت، خرید تا در آن ایستگاه قطار بسازد. این منطقه امروزه به نام «شهر مونت رویال» یا Town of Mount Royal شهرت دارد.

برای ساختن ایستگاهی در مرکز شهر، این شرکت مجبور شد هزینه زیادی بکند. برای اینکه دسترسی به ایستگاه قطار از خیابان مک‌گیل کالج و خیابان de la Gauchetiere میسر باشد، باید زمین‌های زراعتی کشاورزانی که در آن زمان در آن منطقه ساکن بودند، خریداری می‌شدند. اما انجام این کار به سهولت نبود؛ زیرا مزارع این منطقه، مرغوب‌ترین محصولات صیفی مونترال یعنی طالبی و هندوانه را تأمین می‌کردند. به همین دلیل شرکت راه‌آهن شمال مجبور شد تا در حدود ۱ میلیون و پانصد هزار دلار در سال ۱۹۱۰ خرج این مسئله بکند. به یکی از کشاورزان در حدود ۱۱۷ هزار دلار و دیگری ۷۸۱ هزار دلار از این شرکت غرامت گرفتند! به‌رحال بعد از این قضیه بود که بالاخره سنگ بنای اولیه این تونل پی‌ریزی شد.

در سال ۱۹۱۱، مراحل ساخت این تونل آغاز شد و در سال ۱۹۱۴ بانام تونل «مونت رویال» بین مردم شناخته می‌شد. در همین سال شرکت جنرال الکترونیک، ۶ دستگاه لوکوموتیو را به شرکت راه‌آهن شمال فروخت و در سال ۱۹۱۶ تا ۱۹۱۷ تونل بتنی بیشتر تکمیل شد؛ اما با آغاز جنگ جهانی اول، بیشتر عملیات ساخت‌وساز تونل متوقف شد. یکی از لوکوموتیوها در همین سال از خط خارج شد ولی به دلایل جنگ و شیوع بیماری آنفولانزا این مسئله خیلی برای مردم مهم نبود. در دسامبر سال ۱۹۱۸، دولت فدرال، اعلام کرد که تمام شرکت‌های راه‌آهن مونترال باید ملی شده و به CNR



تغییر نام پیدا کنند. این مسئله باعث ورشکستگی شرکت راه‌آهن شمال و ضربه خوردن پروژه تونل مونت رویال شد ولی با این حال، این تونل بخش مهمی از مسیر حمل‌ونقل در مونترال باقی ماند. بعدها شرکت ملی راه‌آهن کانادا، خودش عهده‌دار مالکیت این تونل شد و زمین‌های مرغوب و املاک و مستغلات صاحبان قبلی این تونل را که مدیریت شرکت راه‌آهن شمال را به عهده داشتند، صاحب شد. در دهه ۱۹۳۰، کار توسعه این تونل ادامه پیدا کرد اما جنگ جهانی دوم، بازهم پیشرفت این پروژه را کند کرد. در سال ۱۹۴۳ یعنی یک سال قبل از پایان جنگ، ایستگاه قطار جدیدی به جای ایستگاه‌های قبلی افتتاح شد که امروز همه ما آن را می‌شناسیم. ایستگاه Bonaventure در خط نارنجی متروی مونترال.

بالاخره در سال ۱۹۵۸، این تونل که بانام تونل سلطنتی هم شناخته می‌شد با تأیید ملکه الیزابت، رسماً افتتاح شد. در سال ۱۹۹۲، دولت کبک اعلام کرد که در حدود ۲۸۹ میلیون دلار برای مدرن کردن تونل و قطارهای آن هزینه می‌کند و شرکت «بمباردییه» به‌عنوان پیمانکار اصلی برای ساخت لوکوموتیوها کاندیدا شد. در ژوئن ۱۹۹۵، بالاخره ۶ قطار قدیمی جعبه‌دنده‌ای که ۷۰ سال بود در تونل کار می‌کردند، بازنشسته شدند و قطارهای جدید وارد خط شدند. قطار جدید با شماره ۶۷۱۱، توسط نخستین قطاری که سال ۱۹۱۸ وارد این تونل شده بود، به داخل خطوط راه پیدا کرد و به‌این ترتیب، ۵۸ قطار جدید که ساخت شرکت بمباردییه بودند وارد خطوط راه‌آهن شدند.

البته باید این نکته را هم بدانید که این تونل به دلیل قدیمی بودن خود هیچ جایگاه آتش‌نشانی و حفره خروجی ندارد و همین باعث شده تا برای ایمنی بیشتر، شرکت حمل‌ونقل مونترال یا همان STM به فکر تغییر سیستم الکتریکی قطارها باشد.

امروز اگر دوست داشته باشید در مسیر این تونل زمان و تاریخی زیر تپه مونت رویال حرکت بکنید کافی است که به ایستگاه مرکزی قطار در متروی Bonaventure بروید. آنجا دو بلیت یکی برای رفت و دیگری برای برگشت در تونل مونت رویال بخیرید که هر بلیت ۳٫۷۵ دلار قیمت دارد. شما در حدود ۱۰ دقیقه بعد از زیر کوه رد شده و به ایستگاهی به نام کانورا canora در طرف شمال مونترال می‌رسید. از آنجا می‌توانید دوباره یک قطار دیگر بگیرید و برگردید. به همین راحتی! پس فرصت را از دست ندهید و حتماً یک‌بار سفر در این تونل زمان را تجربه کنید.



دریچه مهاجرت
دریچه ای روبه مهاجرت



مشاور رسمی مهاجرت کانادا
(RCIC)

<https://t.me/immigrationdoor>

iccrc
IMMIGRATION CONSULTANTS OF
CANADA REGULATORY COUNCIL



crcic
CONSEIL DE RÉGLEMENTATION DES
CONSULTANTS EN IMMIGRATION DU CANADA

سهیل احمدی

+1 (514) 748-0949

تماس مستقیم و رایگان از ایران با دفتر کانادا

+98 21 86081897

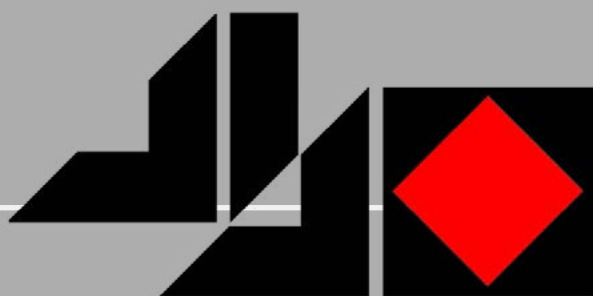
+98 21 88207093

کبک، مونترال، خیابان سن کترین غربی، پلاک ۴۰۵۵

واحد ۱۶۵ - کد پستی H3Z 3J8

ارزیابی رایگان در وبسایت

www.ImmigrationDoor.com



دانشگاه

اگر از خواندن **مداد** لذت می‌برید
اشتراک آن را
به دوستان خود پیشنهاد دهید
اشتراک مداد رایگان است

فرم اشتراک